

نقش و مواضع محمدخان قاجار ایلروانی در نخستین جنگ‌های ایران و روسیه

محمد عزیزنژاد^۱ / رضا دهقانی^۲

چکیده

قلمرو خان‌نشین ایلروان (۱۱۶۰-۱۲۴۴ ق./ ۱۷۴۷-۱۸۲۸ م.) در قرن سیزدهم هجری شاهد جنگ‌ها و قشون‌کشی از سوی مرزهای شمالی و جنوبی از طرف روسیه تزاری و ایران قاجاریه بود. خان‌نشین مذکور به سبب موقعیت جغرافیایی خاص و قرار داشتن در همجواری دولت‌های ایران و عثمانی مورد توجه دولت روسیه تزاری قرار گرفت. همچنین وجود گروه قومی اقلیت ارامنه مسیحی زمینه مداخله را به بهانه حمایت از عیسویان به روس‌ها در زمان محمدخان قاجار ایلروانی (۱۱۹۸-۱۲۲۰ ق./ ۱۷۸۴-۱۸۰۵ م.) داد تا با دخالت در مسائل مربوط به ایلروان باعث جنگ‌های طولانی با دولت قاجاریه ایران شود. در طی این جنگ‌ها محمدخان ایلروانی سیاست دوگان‌های اتخاذ نمود، بطوری که هم با روس‌ها و هم با ایرانی‌ها رابطه سیاسی برقرار کرد. سؤال اصلی مقاله این است چرا خان ایلروان در نخستین جنگ‌های ایران و روس موضع دوگان‌های اتخاذ نمود و هدفش از برقراری رابطه سیاسی هم‌زمان با دولت‌های مزبور چه بود؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خان ایلروان پیوسته برای بقاء و حیات سیاسی خویش با استفاده از سیاست توازن قوا سعی می‌کرد از تضاد منافع دولت‌های ایران و روس برای حصول خودمختاری سیاسی حکومت خویش بهره برداری نماید. لذا، با مشاهده قدرت برتر و تغییر موازنه قوا منطقه‌ای مدام بین دو دولت تغییر موضع می‌داد. لذا در این تحقیق برآنیم تا نقش و مواضع محمدخان ایلروانی را در نخستین جنگ‌های ایران و روسیه را با تکیه بر منابع تاریخنگاری قاجاری و روسی و با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. واژگان کلیدی: خان‌نشین ایلروان، محمدخان قاجار ایلروانی، دولت قاجاریه، روسیه تزاری، قفقاز.

The Role and Attitudes of Mohammad Khan Qajar Yerevani in the first Wars between Russia and Iran

Mohammad Aziznejad³ / Reza Dehghani⁴

Abstract

Khanate of Yerevan territory (1160/1244-Q./1747/1828-M.), in the thirteenth century AD, witnessed wars and military expeditions in its north and south borders by Tsarist Russia and Qajar Iran. Because of the special geographical situation and being in proximity to the governments of Iran and Ottoman, the Khanate has been of special importance to the Russian government. Russia used the minority group of ethnic Christian Armenians as an excuse to interfere in Yerevan's issues on the pretext of protecting the Christians at the time of Mohammad Khan Qajar Yerevani (1198/1220-Q./1784/1805-M.), in order to elongate the wars between Qajar government and Christian Armenian groups. During these wars Mohammad Khan Yerevani adopted a dual policy, so that both the Russians and the Iranians will establish diplomatic relations. The main question of this article is: why Khan of Yerevan in the first Russo-Iranian war adopted his dual policy and what was the main idea behind establishing relationships with these governments? The findings of this article show that Khan of Yerevan always endeavored for his own survival, and had to use parallel policy to make friction between Iran and Russia in order to achieve his own political autonomy. Therefore, he was shifted constantly his position by observing the great power and changed regional balance of power between the two governments. Based on a descriptive-analytical method, the aim of this article is to study the roles and positions of Mohammad Khan Yerevani in the first war between Iran and Russia.

Keywords: Khanate of Yerevan, Mohammad Khan Qajar Yerevani, Qajar government, Tsarist Russia, Caucasus.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ مطالعات ایران دوره اسلامی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول). این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری محمد عزیزنژاد از دانشگاه تبریز با عنوان «مناسبات خان‌های ایلروان با حکومت‌های ایران، عثمانی، روسیه تزاری و گرجستان از پایان دولت نادرشاه افشار تا انعقاد عهدنامه ترکمانچای - ۱۱۶۰-۱۲۴۳ ه.ق. ۱۷۴۷-۱۸۲۸ میلادی» است. * تاریخ دریافت ۹۴/۸/۲۰ تاریخ پذیرش ۹۴/۱۱/۳

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز

۳. PhD in History of Islamic Iran, Tabriz University. Email: Maziznejad63@gmail.com

۴. Associate Professor, Department of History, Tabriz University. Email: Rdehghani@tabrizu.ac.ir

مقدمه

متعاقب سقوط دولت مرکزی صفویه به سال ۱۱۳۵ ق. / ۱۷۲۳ م.، سران ایلات و قبایل قزلباش و فرماندهان نظامی در مناطق قلمرو شمال غربی صفویان از خلاء اقتدار مرکزی استفاده کرده و با تکیه بر نیروی قبایلی منطقه حکومت‌های محلی خودمختار سیاسی با نام خان‌نشین در مناطق آذربایجان و قفقاز با میزان پایین از وابستگی به دولت‌های افشار و زندیه شکل دادند. خان‌نشین ایروان (۱۱۶۰-۱۲۴۴ ق. / ۱۷۴۷-۱۸۲۸ م.)، نیز یکی از حکومت‌های محلی بود که در ایالت سابق چخورسعد دولت صفوی شکل گرفت. بزرگترین خطری که حیات سیاسی و موجودیت خان‌نشین‌های قفقاز را در اوایل قرن سیزدهم هجری تهدید می نمود؛ تهاجم قوای روسی و قاجاریه از مرزهای شمالی و جنوبی بود. خان ایروان، محمدخان قاجار زیاداوغلوی ایروانی (۱۱۹۸-۱۲۲۰ ق. / ۱۷۸۴-۱۸۰۵ م.)، در برابر تهدیدات دولت قاجاریه و سپس تهاجم روس‌ها به قلمرو حاکمیت خویش مدام در روابط سیاسی‌اش با دولت‌های مزبور مواضع متغیر و ناپایداری اتخاذ می‌کرد. مسئله اساسی در این پژوهش چرایی این تغییر مواضع پیاپی خان ایروان در قبال دولت‌های ایران و روسیه در نخستین جنگ‌های دو دولت می‌باشد. راجع به جنگ‌های ایران و روسیه تحقیقات و مطالب گوناگونی وجود دارد و اغلب ادبیات تحقیقات دوره قاجاریه حول محور جنگ‌ها و با دیدی فراگیر و وسیع کل منطقه قفقاز را دربر می‌گیرد. لیکن از جمله بازیگران محلی که نقش بسزایی در استمرار وضعیت جنگی ایران و روسیه داشتند، خوانین مسلمان قفقاز از جمله خان ایروان، محمدخان قاجار ایروانی بود. در واقع، در مباحث تحقیقات جدید حول محور جنگ ایران و روس نقش خوانین و حُکام مسلمان قفقاز چندان مورد توجه جدی محققین قرار نگرفته است. تاکنون تحقیقی نیز با چنین موضوعی کار نشده است. هرچند آقای ناصر صدقی در مقاله‌ای تحت عنوان «تأملی بر مواضع خان‌نشین‌های مسلمان قفقاز در برابر توسعه‌طلبی‌های روسیه تزاری»^۵ در سال ۱۳۹۰ تا حدودی به این مقوله از زاویه دیگری پرداخته است. اما، نامبرده در لابه‌لای مقاله‌اش به مواضع محمدخان قاجار ایروانی تنها در قبال توسعه‌طلبی روس‌ها را مورد بررسی قرار داده است و در فرضیه خویش علت گرایش خان ایروان به روس‌ها بر این باور است نوعی اندیشه مبتنی بر غفلت و جهالت سیاسی در خان ایروان ایجاد شده بود که تصور می‌کرد روس‌ها جهت حفاظت از قلمرو آن‌ها در برابر قاجارها وارد قفقاز شده اند. اما فرضیه اساسی نگارنده بر خلاف آقای صدقی بر این است که خان

۵. ناصر صدقی، «تأملی بر مواضع خان‌نشین‌های مسلمان قفقاز در برابر توسعه‌طلبی‌های روسیه تزاری»، فصلنامه تحقیقی مطالعاتی مؤسسه فرهنگی آران، سال نهم، شماره ۲۶ و ۲۷ (زمستان ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰).

ایروان برای حفظ بقاء سیاسی خویش سعی داشت با استفاده از اصل سیاست توازن قوا و از تضاد منافع دولت‌های ایران و روسیه در جهت حفظ حکومت خودمختاری سیاسی خویش بهره برداری نماید. در این تحقیق سعی شده است زمینه‌ها و دلایل تنوع موضع‌گیری خان ایروان، محمدخان قاجار ایلروانی در جریان جنگ‌های نخستین ایران قاجار و روسیه تزاری و همچنین صحت و سقم فرضیه مقاله مورد بررسی قرار گیرد.

۱) تهاجم آقامحمدخان قاجار بر منطقه قفقاز و وضعیت سیاسی خان‌نشین ایروان

آقامحمدخان قاجار، پس از تثبیت کامل موقعیت خود در صفحات جنوب، مرکز و شمال ایران تصمیم به بازسازی و استحکام وضعیت سیاسی ایران در قفقاز گرفت. خان قاجار، با هدف برگرداندن اراضی مناطق آذربایجان و قفقاز به قلمرو جغرافیای سیاسی ایران همچون دوره حکومت صفویه دست به لشکرکشی جنگی به مناطق مزبور زد و در سال ۱۲۰۵ق. / ۱۷۹۱م.، با قشون قدرتمند خویش به سمت آذربایجان حرکت کرد^۶ و با ارسال فرامینی خوانین آذربایجان را به اطاعت و تابعیت خویش فراخواند.^۷ خان قاجار، تنها به ارسال فرامین و مکاتبه جهت اظهار تابعیت خوانین آذربایجان اکتفاء نکرد و برای اعمال حاکمیت خویش به قلمرو خوانین ایروان (۱۱۶۰-۱۲۴۴ق. / ۱۷۴۷-۱۸۲۸م.)، خوی، نخجوان، گنجه و اردبیل در سال ۱۲۰۹ق. / ۱۷۹۵م.، یکی از سرکردگان خویش بنام سلیمان خان قاجار، را با قوای ۲۰ هزار نفری به تبریز نیز روانه کرد.^۸ سلیمان خان، در ابتدا محمدخان قاجار ایلروانی (۱۱۹۸-۱۲۲۰ق. / ۱۷۸۴-۱۸۰۵م.)، را به حضور خویش فراخواند و خان ایروان را در صورت عدم اجابت اوامر شاهی نیز تهدید نمود. ورود پیک خان قاجار، برای وصول مطالبات، اهالی ایروان را دچار تشویش و اضطراب انداخت.^۹ آقامحمدخان قاجار تنها به تهدیدات لفظی بسنده نمود و فوجی را به سرکردگی علیقلی خان قاجار به سمت ایروان روانه کرد.^{۱۰} در اواسط سال ۱۲۰۹ق. / ۱۷۹۵م.، قوای علیقلی خان

۶ محمد فتح الله بن محمد تقی ساروی، تاریخ محمدی (احسن التواریخ)، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱)، ص ۱۹۱.

7. Butkov.P.G, *Materialy dlia novoi istorii kavkaza(1722-1803)*. vol - II (Petersburg, 1869,p.319.

۸. ساروی، ص ۲۴۱.

9. Elçin Qarayev, *İravan Xanlığı(1747-1828)*. (Bakı: Avropa nəşriyyatı. 2010), p.85.

۱۰. ساروی، ص ۲۶۶؛ میرزا یوسف قراباغی، تاریخ صافی، به کوشش حسین احمدی (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۰)، ص ۱۷۹؛ محمود میرزا قاجار، تاریخ صاحبقرانی (حوادث تاریخی سلسله قاجار ۱۱۹۰-۱۲۴۸ق.)، تصحیح نادره جلالی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹)، ص ۶۷.

در نزدیکی‌های ایروان اردو زد و قلعه را به محاصره درآورد.^{۱۱} به نوشته محمد ساروی: «چون خبر تهزّم و تندّم و عجز و تظلم ابراهیم خلیل خان و خرابی ولایت و محال متعلق به او به اطراف ممالک آذربایجان انتشار یافت، محمدخان تحت تاثیر این اقدام قشون قاجار مجبور به تسلیم شد و اطاعت و تابعیت خویش را به آقامحمدخان قاجار اعلام و دست از مقاومت برداشت.»^{۱۲}

علیقلی خان، با تسلیم ایروان و با برداشتن گروگان‌ها به نزد خان قاجار به گنجه شتافت و «توکل خان نیز با فوجی از جانب ظل اللهی کوتوال قلعه ایروان گردید.»^{۱۳} اسناد آرشیوی نشان می‌دهند که، خان ایروان همچون دیگر خوانین آذربایجان از سرناچاری و جبر به سبب موقعیت ضعف خویش در برابر شاه سر تعظیم فرود آورد^{۱۴} و به همراه هدایای گران بها به دشت مغان نزد خان قاجار شتافت^{۱۵}. آقامحمدخان، خان ایروان، را دوباره در سمت‌اش ابقا نمود.^{۱۶} اما، طولی نکشید که با عقب‌نشینی قوای قاجاریه از منطقه قفقاز معادلات سیاسی منطقه مجدداً دستخوش تغییر شد. آغاز شورش بر ضد حکومت قاجار در ولایت خراسان و خودسری و غارتگری ازبکان به خاک خراسان و تشدید بیماری مُسری وبا در میان قشون، آقامحمدخان قاجار را وادار به ترک مغان و بازگشت به تهران نمود.^{۱۷} دولت روسیه با استفاده از این موقعیت جهت اعاده حیثیت خویش شروع به مداخله در قفقاز جنوبی نمود. بنابراین، در سال ۱۲۱۰ ق. / ۱۷۹۶ م.، ژنرال والرین زُبوف معروف به «فزل ایاغ» در رأس یک قوای ۳۰ هزار نفری در واکنش به اقدام خان قاجار و اعاده حیثیت حکومت روسیه تزاری، از طریق دربند عملیات نظامی خویش را در منطقه قفقاز آغاز کرد و شهرهای دربند، قوبا، باکو، شماخی و گنجه را به تسخیر خویش درآورد.^{۱۸} گرچه، محمدخان قاجار ایروانی علی‌الظاهر از سر اجبار به تابعیت از آقامحمدخان گردن نهاده بود، اما برای حفظ حاکمیت مستقل خود در فکر اخذ کمک نظامی از زُبوف برآمد و در نهان با فرمانده روسی مکاتبه‌نگاری کرد و اطاعت خویش را

۱۱. رافی (هاکوپ ملیک هاکوپیان)، ملوک خمسه، مترجم آرا دراستپانیان (تهران: پردیس دانش، ۱۳۸۵)، ص ۸۸

۱۲. ساروی، ص ۲۷۰

۱۳. همان، ص ۲۷۷

14. *Azərbaycan Milli Elmlər Akademiyası A. Bakıxanov Adına Tarix İnstitutunun Elmi Arxivi (AMEA Tİ EA):* İş 3650, p.140

۱۵. ساروی، ص ۲۷۰؛ محمود میرزا قاجار، ص ۷۰.

16. N. Dubrovin, *Zakavkaz'ye ot 1803-1806 goda.* (SPb, 1866), pp.34-35.

۱۷. ساروی، ص ۲۸۱-۲۸۲ *Osmanlı devleti ile Azerbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Munasibetlere Dair*

Arşiv Belgeleri (1578-1914). C.I. Ankara, 1992, p.379

18. Butkov, v.II, pp.372-415.

نسبت به دولت روسیه ابراز نمود.^{۱۹} اما، در سال ۱۲۱۰ ق. / ۱۷۹۶ م.، مرگ کاترین دوم، نقشه سیاست جنگی روس‌ها را در منطقه قفقاز برهم زد و تزار جدید روسیه پاول اول، قشون روس را از منطقه قفقاز جنوبی فراخواند.^{۲۰} خروج قوای روسی از منطقه قفقاز معادلات سیاسی منطقه را دوباره بهم ریخت. آقامحمدخان قاجار، به محض دریافت خبر ترک قوای روسی از قفقاز جنوبی برای بار دوم در سال ۱۲۱۱ ق. / ۱۷۹۷ م.، در تدارک حمله به منطقه قفقاز برآمد^{۲۱} و در اولین قدم، تصمیم به تنبیه برخی از خوانینی برآمد که در نهان مذاکراتی با ژنرال زیوف روسی داشتند. خان قاجار در اردبیل، محمدخان قاجار ایلروانی و کلبعلی‌خان نخجوانی را به حضور طلبید.^{۲۲} فرمان آقامحمدخان برای خان‌ها غیر منتظره بود. در ابتدا هر دو خان نمی‌خواستند از فرامین خان قاجار اطاعت نمایند. با این حال، هر دو خان که دست‌شان از هر طرف کوتاه شده بود، تصمیم به اطاعت برآمدند و به اتفاق اعضای خانواده و هدایای گرانبه‌ها به نزد آقامحمدخان قاجار رسیدند. لیکن، خان قاجار که از اقدامات مخفیانه آنان با روس‌ها در غیاب‌اش دچار غصب شده بود هر دو را به اسارت به تهران فرستاد.^{۲۳} با وجود دستگیری آن‌ها، محمدخان قاجار ایلروانی به واسطه افراد نزدیک شاه از حکم مجازات مرگ‌رهایی یافت. همچنین آقامحمدخان قاجار، با ملاحظه تبار قاجاری محمدخان ایلروانی و خدمات صادقانه اسلاف‌اش مجازات وی را به جریمه تقلیل داد.^{۲۴} با این حال، خان ایلروان که از خطر مرگ خلاصی یافته بود به جرم خیانت به مبلغ ۵۰۰۰۰ تومان جریمه و مجبور به پرداخت شد.^{۲۵} علیرغم پرداخت جریمه فوق، محمدخان ایلروانی برای مدتی در اسارت زندان خان قاجار در تهران باقی ماند و به دستور آقامحمدخان، علیقلی‌خان برادر ناتنی شاه، مقام خانی ایلروان را بر عهده گرفت.^{۲۶}

با ملاحظه تهاجم نخست خان قاجار به منطقه قفقاز می‌بینیم که این لشکرکشی‌های آقامحمدخان فاقد نتایج پایدار و ملموسی در منطقه قفقاز برای حکومت ایران در برداشت و می‌توان گفت که خان قاجار برنامه خاصی برای تحت تابع درآوردن دائمی خوانین محلی قفقاز نداشت. لذا صرفاً به همان تابعیت ظاهری و اخذ گرو و باج اکتفاء نموده بود و دست به تغییر اساسی ساختار

۱۹. قراباغی، ص ۱۸۶؛ محمود میرزا قاجار، ص ۷۹.

20. Butkov, v.II, p.418.

۲۱. محمد تقی‌خان لسان‌الملک سپهر، *ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)*، جلد ۱، به اهتمام جمشید کیان (فر): تهران: انتشارات

اساطیر، ۱۳۹۰)، ص ۸۳.

22. Nisə Mustafayeva, *Cənubi Azərbaycan xanlığıları*, (Bakı, 1995), p.66.

23. Shopen I. I. *Istoricheskiy pamyatnik sostoyaniya armyanskoy oblasti v epokhu yeyo soyedineniya k Rossiyskoy imperii*. (SPb. 1852), p.164.

24. Shopen, p.164; Butkov, v.II, p.428.

25. Dubrovin, p.43.

26. Butkov, v.II, p.426.

سیاسی و اداری منطقه قفقاز نزد. با این حال، همانطور که گفته شد لشکرکشی اول خان قاجار نتایج خاصی برای ایران در برداشت. بنابراین در سال ۱۲۱۱ق. ۱۷۹۷م، برای مرتبه دوم حمله خویش را به منطقه قفقاز جنوبی از سرگرفت. امّا، این تهاجم وی با ناکامی مواجه گشت. شاه ایران پس از اشغال قلعه شوشا، بدنبال سوءقصد افراد نزدیک خویش در قراباغ کشته شد.^{۲۷} این اتفاق به سال ۱۲۱۱ق. ۱۷۹۷م، روی داد و اردوی قاجار مجبور به ترک اراضی آذربایجان و قفقاز گردید.^{۲۸} کشته شدن آقامحمدخان قاجار و خلاء مقام شاهی، علیقلی خان قاجار حاکم‌نشین منتسب آقامحمدخان قاجار بر ایروان را به اندیشه کسب تاج و تخت شاهی ایران انداخت. به نوشته رضا قلیخان هدایت «علیقلی خان برادر شهریار مغفور ذیشان از ایروان به راه مراغه و خوی و تبریز عبور و از خیال خام سلطنت مغرور در چهار فرسنگی طهران نزول کرد.»^{۲۹} حاکم ایروان در حوالی دارالخلافه تهران با استماع شاهی فتحعلی خان آمال خویش را بر فنا دیده و به اجبار تن به اوامر شاه جدید داد. امّا چون «آثار سرکشی و خودرایی از حالات او مستفاد شد» به امر فتحعلی شاه از نعمت بینایی محروم گشت.^{۳۰} با حبس محمدخان قاجار ایروانی در تهران توسط آقامحمدخان قاجار و حذف علیقلی خان قاجار حاکم ایروان از صحنه قدرت سیاسی توسط فتحعلی شاه، خان‌نشین ایروان در وضع بلاتکلیفی قرار گرفت و امکان آن می‌رفت با عدم استقرار حاکم‌نشین جدید ایروان، نابسامانی‌های آنجا را فراگیرد و روس‌ها نیز از این فرصت سود جسته بر قلعه ایروان سیطره یابند. لذا فتحعلی شاه، به محض تصاحب قدرت سیاسی ایران سیاست‌های سختگیرانه عمویش را کنار گذاشت و خان‌های محبوس تهران، از جمله محمدخان قاجار ایروانی را از اسارت آزاد و مجدداً بر سر حاکمیت ایروان گماشت و همچنین اسمعیل خان قاجار شامبیاتی را به کوتوالی ایروان تعیین نمود.^{۳۱} امّا، فتحعلی شاه علی‌رغم آگاهی از خیانت خان ایروان و برقراری رابطه با روس‌ها در دوره حکومت آقامحمدخان قاجار از آزادی خان‌های محبوس چه اهدافی داشت؟ منابع در این خصوص گزارشی ارائه نمی‌دهند. شاید بتوان این مسئله را چنین بیان کرد که فتحعلی شاه در آغاز کار بیشتر مشغول تحکیم و تثبیت موقعیت شاهی و سرکوب مخالفان داخلی خویش بود و در اوایل حکمرانی‌اش فرصت پرداختن به مسائل منطقه قفقاز را نداشت. از این جهت، با آزادی خان محبوس

۲۷. سپهر، ج ۱، ص ۸۴؛ قراباغی، ص ۱۸۸.

۲۸. ساروی، ص ۲۹۸.

۲۹. رضاقلی هدایت، *روضه الصفاى ناصری*، جلد ۹ (تهران: انتشارات خیام، ۱۳۸۵)، ص ۷۴۲۵؛ محمود میرزا قاجار، ص ۱۰۵.

۳۰. محمود میرزا قاجار، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۳۱. هدایت، ج ۹، ص ۷۴۳۵.

ایروان قصد داشت با تحیب قلب وی بار دیگر تحت حاکمیت سیاسی ایران در آورده و در ضمن به اوضاع آشفته خان‌نشین ایروان - که پس از مرگ آقامحمدخان قاجار روی داده بود - سر و سامان دهد. با این همه، شاه قاجار ایران برای ممانعت از خیانت مجدد خان ایروان و تحت تابعیت درآوردن او اقدامات احتیاطی و کنترلی را از دست نداد و با دو شیوه اخذ گروگان و گماشتن فرد موثقی به کوتوالی قلعه ایروان در امور داخلی ایروان اعمال نفوذ کرد. اما، انتصاب فرد موثق از مرکز قدرت به کوتوالی قلعه ایروان را بتوان از ابتکار حکومت قاجار دانست. چنانکه آقامحمدخان قاجار و فتحعلی شاه به خان ایروان اعتمادی چندانی نداشتند و از سقوط قلعه ایروان که به منزله دروازه قلمرو ایران محسوب می‌شد، به دست روس‌ها واهمه داشتند. از اینرو، برای کنترل امور داخلی قلعه ایروان، رفتار سیاسی خان ایروان و جلوگیری از سقوط استحكامات ایروان فردی را به کوتوالی گماشتند. چنانکه آقامحمدخان قاجار کوتوالی قلعه ایروان را به توکل خان نامی سپرد.^{۳۲} فتحعلی شاه قاجار نیز با تبعیت از سیاست عمومی‌اش، اسمعیل خان شامبیاتی را به کوتوالی قلعه ایروان گماشت.^{۳۳} لازم به ذکر است بعدها همین اسمعیل خان شامبیاتی رابطه نهانی محمدخان قاجار ایلروانی با روس‌ها را افشاء ساخت و با مطلع ساختن حکومت ایران مانع از سقوط قلعه ایروان به دست روس‌ها شد.^{۳۴}

۲) زمینه‌های مداخله روسیه تزاری در قلمرو خان‌نشین ایروان

جلوس تزار الکساندر اول (۱۲۱۵-۱۲۴۱ق. / ۱۸۰۱-۱۸۲۵م.)، موجب شد که سیاست روسیه نسبت به ایران وضع خشن‌تری پیدا کند. تزار جدید، بلافاصله طی فرمانی در سال ۱۲۱۷ق. / ۱۸۰۲م.، گرجستان را قسمتی از خاک روسیه اعلام کرد.^{۳۵} به دنبال انضمام گرجستان به قلمرو جغرافیای سیاسی روسیه، ناآرامی‌ها منطقه قفقاز را فراگرفت. تزار الکساندر اول، با مشاهده ناتوانی سیاست‌های ژنرال کنورینگ، در سرکوب اغتشاشات منطقه قفقاز، وی را عزل و بجای‌اش ژنرال سیسیانف را به سال ۱۲۱۷ق. / ۱۸۰۲م.، به فرماندهی کل قوای روسی در منطقه منصوب کرد.^{۳۶} با انتصاب ژنرال سیسیانف به فرماندهی کل قوا، سیاست اشغالگری قفقاز جنوبی از سوی روسیه رنگ واقعی به خود

۳۲. ساروی، ص ۲۷۷.

۳۳. هدایت، ج ۹، ص ۷۴۳۵.

۳۴. هدایت، ج ۹، ص ۷۵۴۵؛ سپهر، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳۵. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳)، ص ۲۰۷.

۳۶. عباسقلی آقا باکیخانوف (آقاندسی)، گلستان ارم، ویراستار مهدی کریمی (تهران: چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه،

۱۳۸۲)، ص ۱۸۴؛ قراباغی، ص ۱۹۹.

گرفت. وی، قبلاً یکی از زیردستان ژنرال زُبوف و فرماندهی توانا و جنگجوی شهرت طلب بود و پیشتر در سال ۱۲۱۰ ق. / ۱۷۹۶ م.، به اتفاق قشون روسیه به فرماندهی زُبوف در منطقه قفقاز حضور داشت و به خوبی از اوضاع سیاسی منطقه آذربایجان و قفقاز آگاه بود. سیسیانف، به همان تعبیر دُنلی «سرداری صاحب عزم و غیور و مغرور و به شدت و طیش معروف و به جلادت و بی پروایی موصوف» بود.^{۳۷} وی، که در ایران به «اشپخودور» [عنوان توهین آمیز] مشهور شده بود، در دو سال نخست حضور خود در گرجستان بیشتر گرفتار مسأله مواجهه با خاندان سلطنتی و تحکیم پایگاه خود در تفلیس بود.^{۳۸} در این مقطع تاریخی، اوضاع بین‌المللی برای اشغال منطقه قفقاز بر وفق مراد روس‌ها بود. در اواخر سده هیجدهم و اوایل سده نوزدهم میلادی برای تسلط بر اوضاع سیاسی-اقتصادی سرزمین‌های آسیا و اروپا بین دول اروپایی فرانسه و انگلیس رقابت استعماری در جریان بود. دولت‌های فرانسه و انگلیس برای عملی کردن طرح‌های استعماری شان در خاورمیانه تصمیم به همکاری با دولت قاجار ایران برآمدند.^{۳۹} دولت انگلستان در این موقع به اتفاق روسیه تزاری علیه ناپلئون تشریک‌مساعی نظامی باهم داشت موقتاً از فعالیت‌های استعماری دولت روسیه در قفقاز جنوبی چشم‌پوشی نمود. مضافاً، جدی‌ترین رقیب روسیه در منطقه قفقاز جنوبی، امپراتوری عثمانی در این برهه تاریخی در موقعیت ضعف به سر می‌برد و قادر به مداخله فعال در حوادث منطقه مزبور نبود.^{۴۰}

با این حال، سیسیانف، فرمانده روسی بدنبال بهان‌های برای اشغال قلمرو ایروان می‌گشت که این بهانه با مُنازع بر سر مقام جاثلیقی کلیسای اوچمیادزین [اوج کلیسا] حاصل شد. در سال ۱۲۱۵ ق. / ۱۸۰۱ م.، آرگوتینسکی،^{۴۱} جاثلیق اوچمیادزین در تفلیس درگذشت. از نیمه‌های سال ۱۲۱۶ ق. / ۱۸۰۲ م.، مسأله انتخاب سراسقف کلیسای اوچمیادزین به موضوع اختلاف میان عثمانی، ایران و محمدخان قاجار ایروانی از یک سو و تزار و سرداران روس قفقاز در سوی دیگر تبدیل شد. داوید، اسقف اعظم با استفاده از بلاتصدی مقام جاثلیقی اوچمیادزین با ارسال هدایای ذی‌قیمت به خان ایروان و با حمایت وی در همان سال به این منصب نائل گشت. خان ایروان، هوادار سراسقف داوید نامی بود که شورای روحانی اوچمیادزین او را برگزیده و باب عالی نیز از بطریق

۳۷. عبدالرزاق دُنلی، *ماتر السلطانیه*، مقدمه و فهرست‌ها به اهتمام غلامحسین صدقی افشار (تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۱)، ص ۱۸۰.

۳۸. قراباغی، ص ۲۰۳-۲۰۲.

۳۹. مهدوی، ص ۲۰۸-۲۰۷.

۴۰. همان.

ارمنی قسطنطنیه خواستار تأیید او شده بود. اما، کشیشان و راهبان کلیسای اوچمیادزین مخالف جاثلیقی داوید بودند و در عوض از نامزدی دانیل، اسقف اعظم کلیسای ارمنی ساکن استانبول حمایت می‌کردند.^{۴۲} اما، کنورینگ و سپس سیسیانف معتقد بودند داوید با فشار خان ایروان به آن منصب گماشته شده است، او را در فشار نهادند که منصب سراسقفی را برای دانیل نامی که «همه ارمنی‌ها، نه فقط در امپراتوری عثمانی بلکه در روسیه نیز» او را به رسمیت می‌شناسند، بپذیرد.^{۴۳} این در حالی بود که داوید خود چه از طریق مکاتبه با ژنرال کنورینگ و چه از طریق گسیل نمایندگان رسمی کلیسای ارمنی به روس‌ها اعلام کرد که او برگزیده ارمنی‌های گرجستان، ایران و عثمانی است.^{۴۴} پافشاری کنورینگ برای حمایت از دانیل تا ۱۲۱۶ ق. / ۱۸۰۲ م.، که سیسیانف جای او را در مقام سرداری کل قوای روسی در منطقه قفقاز جنوبی گرفت، ادامه داشت و اندک اندک از زبان درخواست به زبان تهدید سیر نمود. نوبت به سیسیانف که رسید او از کاربرد زبان تهدید ابایی نداشت. او، در نامه‌ای به یکی از سرداران خویش به نام لازارف، به وی پیشنهاد کرد که نخست درستی یا نادرستی این ادعا را که خان ایروان، دانیل را به میل پاشای بایزید تسلیم داوید کرده است، تعیین کند و سپس در صورت صحت این امر به خان ایروان اخطار کند که مسئولیت جان سراسقف دانیل و هرگونه رفتار توهین‌آمیزی که صورت پذیرد، به عهده خان ایروان است.^{۴۵} سیسیانف، به بهانه حمایت از مقام جاثلیقی دانیل، وارد منازع مذهبی امور کلیسای اوچمیادزین شد و محمدخان قاجار ایروانی را به سبب مداخله در امور داخلی اوچمیادزین تحت فشار قرار داد. همانطور که ملاحظه می‌شود منازع و رقابت بر سر مقام جاثلیقی کلیسای اوچمیادزین زمینه را برای مداخله سیاسی و نظامی روس‌ها در قلمرو خان‌نشین ایروان مهیا کرده بود و روس‌ها از این موضوع به نحو احسن بهره برداری نمودند. از این جهت، سیسیانف به محض انتصاب به سمت جدیدش در سال ۱۲۱۷ ق. / ۱۸۰۳ م.، نامه‌ای به محمدخان قاجار ایروانی ارسال کرد و در نامه حمایت خود را از نامزدی دانیل به مقام جاثلیقی کلیسای اوچمیادزین را به خان ایروان ابلاغ نمود.^{۴۶} روس‌ها سعی داشتند برای مسند جاثلیقی اوچمیادزین، کسی انتخاب شود که منافع روس‌ها را تأمین کند.^{۴۷}

42. Y. Khubov, *Opisaniye dostopamyatnykh proisshestviy v Armenii. (SPb. 1811)*, pp.15-16; Dubrovin, p.114; Shopen, pp.114-115.

43. George Bournoutian, *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889*, a documentary record, vol. II (Mazda Publishers:1998), p.73.

44. Ibid.

45. Ibid.

46. Qarayev, p.109.

سیسیانف، با مشاهده عتادورزی خان ایروان در عدم انتصاب دانیل به مقام جاثلیقی کلیسای ارامنه جهت مداخله در ایروان درصد بهره برداری از این فرصت برآمد. فلذا، در سال ۱۲۱۸ ق. / ۱۸۰۳ م.، در نامه ارسالی خود به تزار روسیه آورده بود که «خان ایروان درخصوص به رسمیت شناختن دانیل به عنوان جاثلیقی حاضر به تبعیت از دستور عالی اعلی حضرت نیست. عدم مجازات وی به نفوذ و اقتدار اعلی حضرت در سرزمین‌های که به زور اسلحه تسخیر شده، ضربه وارد خواهد کرد. برای همین، من برای مجازات محمدخان و گماشتن دانیل به جاثلیقی ارامنه بایستی به ایروان رفته و در آن نقطه پادگانی را مستقر کنم.»^{۴۸}

از متن نامه به خوبی معلوم می‌شود که روس‌ها برای مداخله در امور داخلی ایروان دنباله بهانه می‌گشتند تا از این طریق بر نفوذ و سیطره خویش بر قلمرو ایروان رنگ مشروعیت بخشند و برای اینکه حساسیت دولت عثمانی را برنیانگیزند تنها حمایت از اقلیت ارامنه را بهانه قرار می‌دادند. لازم به ذکر است که اقلیت ارامنه داخل قلمرو ایروان همواره بهترین مُستمسک برای دولت‌های مسیحی بود. چنانچه، پیشتر نیز اراکلی خان دوم (۱۱۶۰-۱۲۱۳ ق. / ۱۷۴۷-۱۷۹۸ م.)، والی گرجستان در دوره حکمرانی حسینعلی خان قاجار ایروانی (۱۱۷۲-۱۱۹۷ ق. / ۱۷۵۹-۱۷۸۳ م.)، و غلامعلی خان قاجار (۱۱۹۷-۱۱۹۸ ق. / ۱۷۸۳-۱۷۸۴ م.)، پیوسته به بهانه حمایت از ارامنه و کلیسای اوچمپادزین به خود حق مداخله در امور داخلی ایروان می‌داد. ارامنه، نیز همواره از زمان سقوط دولت صفوی برای رهایی از سلطه مسلمانان و نیل به آرزوی دیرینه خویش یعنی تشکیل دولت مسیحی ارمنی به دنبال جلب دولت‌های قدرتمند مسیحی بودند. با این حال، محمدخان قاجار ایروانی، با آگاه یافتن از مقاصد فرمانده روسی برای مقابله با قشون روسیه درصد یافتن متحدی برآمد. دولت عثمانی، مناسب‌ترین متحد منطقه‌ای خوانین قفقاز و آذربایجان بعد از سقوط دولت صفوی شمرده می‌شد. اما، باعالی در این مقطع تاریخی درگیر مسأل داخلی و دیگر آن اقتدار و نفوذ سابق را نداشت و به همین سبب به فرستاده خان، جواب منفی دادند.^{۴۹} همچنین لازم به یادآوری است که روس‌ها در این مقطع زمانی با به راه انداختن تبلیغات وسیع درباره قدرت و برتری نظامی‌شان در قفقاز، از نقطه ضعف اساسی خوانین مسلمان قفقاز، یعنی تضمین ظاهری حکومت محلی آن‌ها و قاجار هراسی‌شان استفاده کرده و با ترغیب و تهدید، غالب این خوانین را در برابر قاجارها به خود متمایل

48. A. Berzhe, *Akty sabranie Kavkazkoih Arkheograficheskoih Komissiei (A.K.A.k)*, Vol. II (Tbilisi, 1866-1906), p.610.

49. Qarayev, p.110.

ساخته بودند.^{۵۰} خوانین مسلمان قفقاز هم جهت رهایی از پرداخت مالیات و خراج سالانه به دولت قاجاری و حفظ حکومت به ظاهر مستقل‌شان در برابر قاجارها^{۵۱} راه حل نجات سیاسی خود را گرایش به دولت روسیه تزاری تلقی می‌کردند. دولت روسیه، با وجود روابط پُر تنش سیاسی با خان ایروان، سیاست اشغالگری خویش را در ابتدا از ناحیه جار و بلکان^{۵۲} [جارو تله] شروع کرد و پس از یک جنگ طولانی در سال ۱۲۱۹ ق. / ۱۸۰۴ م.، قلمرو خان‌نشین گنجه نیز به قشون روسیه تسلیم شد.^{۵۳} پس از اشغال گنجه، سیسیانف در صدد تهاجم به ایروان، برآمد.

روسیه، مداخله سیاسی - نظامی خویش را در امور داخلی قلمرو ایروان را زودتر از دیگر خوانین قفقاز آغاز کرد. از اینرو، ژنرال جنگجو و شهرت‌طلب روسی بدنبال الحاق قلمرو خوانین گنجه به خاک روسیه تزاری چشم طمع به قلمرو خان‌نشین ایروان دوخت. و به همان ترتیبی که خاوری نوشته، سیسیانف پس از فتح گنجه نمایان مغرورتر شد و به دیگر خان‌ها از جمله خان ایروان نیز نامه‌های اخطار آمیز نوشت.^{۵۴} ژنرال روسی، در ابتدا امیدوار بود از طریق گفتگوی سیاسی و با چاشنی تهدید و تطمیع خان ایروان را به تسلیم بدون جنگ قلعه ایروان وادار نماید. از این جهت، جعفر قلی‌خان دُنْبلی را برای ملاقات محمدخان قاجار ایلروانی روانه کرد و سعی کرد با الطاف گوناگون او را به دولت روسیه امیدوار سازد.^{۵۵} لیکن، یکی از خادمان خان ایروان خبر سازش مخفیانه محمدخان قاجار با روس‌ها را به دربار فتحعلی شاه منتقل ساخت.^{۵۶} شاه قاجار در ابتدا سعی کرد از طریق سیاست نامه‌نگاری خان ایروان را از اتحاد با روس‌ها باز دارد.^{۵۷} نگرانی فتحعلی شاه از سقوط قلعه ایروان بدست روس‌ها نیز بی دلیل نبود. زیرا، دولت قاجاریه به موقعیت جغرافیای قلعه ایروان

۵۰. ناصر صدقی، «تأملی بر مواضع خان‌نشین‌های مسلمان قفقاز در برابر توسعه طلبی‌های روسیه تزاری»، فصلنامه تحقیقی

مطالعاتی مؤسسه فرهنگی آران، سال نهم، شماره ۲۶ و ۲۷ (زمستان ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰)، ص ۵۱.

۵۱. دُنْبلی، ص ۹۲.

۵۲. ناحیه جارو بلکان یا جارو تله در حال حاضر در شمال غربی کشور جمهوری آذربایجان است. این ناحیه در دوره قاجاریه از سمت شمال به داغستان و از سمت غرب و جنوب غربی با گرجستان و از سمت شرق با سلطان‌نشین ایلسو و از سمت جنوب با خوانین گنجه و سلطان‌نشین قزاق هم مرز بود.

53. *Azerbaijan Tarixi*, IV cild (Baki: Elm, 2007), pp.18-19; Dubrovin, pp. 93-95.

۵۴. فضل‌الله خاوری شیرازی، *تاریخ ذوالقرنین*، ج ۱، به تصحیح ناصر افشار (تهران: سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه موزه و

مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۱۹۴.

۵۵. میرزا محمد صادق وقایع نگار مروزی، *آهنگ سروس (تاریخ جنگ‌های ایران و روس)*، گردآورنده حسین آذر، به تصحیح

امیر هوشنگ آذر (تهران: چاپخانه حیدری، ۱۳۶۹)، ص ۸۲.

۵۶. همان.

۵۷. همان.

واقف بود و سقوط آن می‌توانست شرایط مساعدی را برای اشغال مابقی قلمرو ایران فراهم نماید. چون قلعه ایروان در حقیقت کلید باب مملکت ایران بود.^{۵۸}

۳) مواضع محمدخان ایروانی در مقابل مداخله نظامی روس‌ها و قاجاریه به قلمرو خان‌نشین ایروان

آغاز تهاجم اشغالگری قوای روسی در منطقه قفقاز، حکومت قاجاریه را به هراس انداخت. فتحعلی شاه قاجار جهت ممانعت از پیوستن خان ایروان و تسلیم قلعه ایروان به روس‌ها به ارسال نامه‌های نصایح‌آمیز اکتفاء نمود و قشونی را تحت فرماندهی عباس میرزا و سلیمان خان قاجار در تبریز گردآورد. بخشی از این قشون، تحت امر عباس میرزا به ایروان، و بخشی دیگر به شوشا لشکرکشی نمودند.^{۵۹} و پس از تصرف اراضی نامبرده هر دو دسته در خاک گنجه با هم ملحق شده و از این نقطه می‌بایست بر تفلیس حمله می‌بردند. شاه قاجار، با ارسال هدایای به خوانین شکی، شماخی و ایروان تشریک مساعی قشون آن‌ها را در حمله به تفلیس خواستار شد. گرچه به نوشته دُنْلی «حُکام قراباغ و ایروان گرچه به ظاهر در طریق بندگی و عبودیت اعلیحضرت شاهی پویان بودند، اما در باطن بواسطه اهمال و تهاون در اجرای خدمات سلطانی و تعلل و تکاهل در تقدیم مهمات دیوانی، اینگونه وسایل را بالطبع جویا می‌شدند.»^{۶۰} به دستور شاه قاجار، خان ایروان می‌بایست شخصاً به تبریز می‌رفت و در صورت عدم اطاعت از فرمان شاه، ایروان را ترک کرده و عازم زیارت مکه می‌شد. در غیر این صورت، فتحعلی شاه تهدید به قتل فرزندان خان‌های ایروان و نخجوان برآمد.^{۶۱} عباس میرزا، به تسلیم داوطلبانه محمدخان قاجار ایروانی امیدوار بود. لذا، در سال ۱۲۱۹ق. / ۱۸۰۴م، بدریگ نامی را از تبریز در رأس هیئت نمایندگی و به اتفاق شاهزاده الکساندر میرزای گرجی به ایروان، فرستاد. ایلچی شاهزاده قاجار برای متقاعد ساختن خان ایروان به اطاعت از اوامر حکومت ایران وارد مذاکره شد. نخستین شرط اثبات وفاداری خان ایروان به تاج و تخت شاهی ایران، تهیه سیورسات نظامی ایران و اعزام ۴۰۰۰ نفر قشون به گنجه، جهت الحاق به اردوی عباس میرزا و

۵۸. میرزا محمد صادق وقایع نگار مروزی، آهنگ سرروش (تاریخ جنگ‌های ایران و روس)، گردآورنده حسین آذر، به تصحیح

امیر هوشنگ آذر (تهران: چاپخانه حیدری، ۱۳۶۹)، ص ۸۲؛ خاوری شیرازی، ص ۱۶۵.

۵۹. جهانگیر میرزا، تاریخ نو(شامل حوادث دوره قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری)، به سعی و اهتمام عباس اقبال (تهران:

کتاب فروشی و چاپخانه علی اکبر علمی، ۱۳۲۷)، ص ۱۲۵.

۶۰. دُنْلی، ص ۹۲.

قشون الکساندر میرزا بود. افزون بر این، محمدخان قاجار ایلروانی مجبور به دادن ۱۲ نفر گروگان از خانواده های نجیبزاده ایلروانی به شاه می گردید. با این حال، خان ایلروان که حاکمیت شاه قاجار را برای خویش یک تهدید حساب می کرد از اجابت مطالبات شاه سرپیچی نمود.^{۶۲}

لازم به ذکر است که در این مقطع تاریخی خوانین قفقاز از لحاظ اقتدار و قدرت سیاسی و نظامی به دو دسته خوانین قوی و ضعیف- و یا به عبارت دیگر خوانین طرفدار وضع موجود یا تجدیدنظر طلب- تقسیم می شدند. خوانین ضعیف پیوسته برای بقاء و حیات سیاسی خویش یا بایستی نسبت به افزایش قدرت داخلی خویش اقدام می نمودند و یا با دیگر قدرت ها ائتلاف نموده تا از خیزش قدرت سوم جلوگیری نموده و امنیت و بقای سیاسی خویش را تأمین نماید. خان ایلروان، نیز جزو خوانین محلی ضعیفی بود که همواره استراتژی دنبال روی و توازن قوا را در سیاست خارجی خویش اتخاذ می نمود. لذا، با مشاهده قدرت برتر و تغییر موازنه قوای منطقه درصدد ارتباط با روس ها برآمد. از اینرو، خان ایلروان با دادن جواب منفی به خواسته های شاه قاجار از عاقبت ناگوار خویش به خوبی واقف بود. برای همین، جهت خنثی سازی تهدید حکومت قاجاریه به فکر اخذ کمک نظامی از حکومت روسیه افتاد تا با کشاندن پای روس ها و با استفاده از سیاست موازنه قوا، استقلال خویش را حفظ نماید. از اینرو، پیکری به نزد سبسیانف فرستاد تا جلوی قشون شاه قاجار را بگیرد.^{۶۳}

این اقدام او یعنی اتحاد با یک قدرت مسیحی به زیان حکومت قاجاریه نشان می داد که او بیش از این که پایبند عقاید اسلامی باشد، در پی افزایش قدرت خویش و حفظ استقلال حکمرانی اش به هر شیوه ای ممکن است. تلاش های محمدخان قاجار ایلروانی برای پیوند خوردن با روسیه را نیز در همین چارچوب می توان تعبیر کرد. هر چند روند حوادث ثابت کرد که وی شناخت درست و دقیقی از اوضاع بین المللی منطقه نداشت و در واقع، نوعی اندیشه مبتنی بر غفلت و جهالت سیاسی در خان ایلروان ایجاد شده بود که تصور می کرد روس ها جهت حفاظت از قلمرو آن ها در برابر قاجارها وارد قفقاز شده اند.^{۶۴} اما، فرمانده روسی شرط کمک را منوط به پذیرش شرایط از جمله استقرار قوای روسی در قلعه ایلروان و انتخاب دانیل به سراسقفی کلیسای اوچمیدازین را ذکر کرد. خان ایلروان، که در تنگنای دولت های ایران و روسیه قرار گرفته بود با خودداری از پذیرش شرایط سنگین فرمانده روسی، سیاست انتظار را در پیش گرفت.^{۶۵} با تمرکز قوای روسی در تفلیس برای حمله به ایلروان،

62. Qarayev, p. 112.

۶۲ قراباغی، ص ۲۰۵؛ هدایت، ج ۹، ص ۷۵۲۲؛ باکیخانوف، ص ۱۸۵.

۶۴ صدقی، ص ۵۱.

65. Qarayev, p. 113.

دولت قاجاریه در ابتدا سعی کرد از طریق راه‌های دیپلماتیک جلوی فتنه‌انگیزی‌ها و جاه‌طلبی‌های ژنرال سیسیانف را بگیرد.^{۶۶} لذا، وزیراعظم شاه ایران، میرزا محمد شفیع صدراعظم به دستور فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م، نامه‌ای را به همراه ایلچی روانه تفلیس کرد. حکومت ایران، پس از استفسار از علت و مقصد ورود قشون روسی به تفلیس خواستار ترک گرجستان از ارتش روسی شد.^{۶۷} اما، فرمانده روسی ایلچی ایران را مورد هتاکی و توهین قرار داد و به خواسته‌های شاه نیز هیچ‌وقتی نگذاشت و در عوض، با نگاشتن نامه‌ای تحقیرآمیز به وزیراعظم اعلام کرد که، «من جهت استقبال از شما با گلوله و سرنیزه در کنار دریاچه گوگچه و رود کورا آماده هستم.»^{۶۸} این پاسخ تحقیرآمیز سیسیانف، منجر به تیره شدن روابط دو کشور گردید و بدین ترتیب، میان دولت قاجاریه ایران و روسیه تزاری یک جنگ طولانی مدت شروع شد.^{۶۹}

بعد از سقوط گنجه و بی‌نتیجه ماندن آخرین مقاومت جوادخان در برابر روس‌ها، یکی از مشکلات جدی دولت ایران در قفقاز مواضع خان ایروان بود. در این هنگام حاکم مسلمان خان‌نشین ایروان با مشاهده گرایش برخی خوانین رقیب محلی‌شان به ایران و پیشروی‌های روس‌ها و غیبت قوای قاجاری در قفقاز، تدریجاً برای حفظ موجودیت و حکومت خود متمایل به روسیه شد و به مکاتبه با سیسیانف پرداخت و نسبت به وی اظهار وفاداری کرد. در کل بایستی گفت که خوانین ضعیف قفقاز و از جمله ایروان جهت رفع تهدید و خطر همواره چند استراتژی را در روابطشان با قدرت‌های پیرامونی از قبیل موازنه قدرت، پنهان شدن، دنباله‌روی را اتخاذ و اعمال می‌نمودند. اما سئوالی که در اینجا قابل طرح است این است که چرا خان ایروان در اوایل در مقابل حکومت قاجار ایران به روس‌ها گرایش داشت؟ خاوری شیرازی بر این باور است که محمدخان قانولوی قاجار، حاکم ایروان که با قاجارهای هم‌تبارش در ایران رقابت جدی داشت و خود را به اندازه آن‌ها شایسته حکومت می‌دید، در این زمان با سیسیانف مکاتبه کرد و به روسیه اظهار تمایل نمود.^{۷۰} رضا قلیخان هدایت نیز در این مورد بر این باور است که: «محمدخان قاجار ایروانی این کار را مایه دوام ایالت خود همی‌شمارد.»^{۷۱} لیکن استدلال خاوری شیرازی منطقی و معقول به نظر نمی‌رسد. اما نظر هدایت تا حدودی با سیاست توازن قوای منطقه‌ای خان ایروان قابل قبول به نظر می‌آید. با این حال، نگارنده

۶۶. سپهر، ص ۱۲۴.

۶۷. همان.

68. Dubrovin, p. 298; Khubov, pp. 808-809.

69. Azərbaycan Tarixi, c. IV, p. 21

۷۰. خاوری شیرازی، ج ۱، ص ۱۹۴؛ باکیخانوف، ص ۱۸۶.

۷۱. هدایت، ج ۹، ص ۷۵۳۲.

بر خلاف دو مورخ قاجاری مزبور نظر دیگری دارد و معتقد است بیشتر تهدیدات و مخاطرات نظامی حیات سیاسی خان‌نشین ایلروان تا سال ۱۲۱۹ ق. / ۱۸۰۴ م، همواره از سوی مرزهای جنوبی بود. در واقع لشکرکشی‌های غارتگری پیاپی آقامحمدخان قاجار به منطقه قفقاز و للماتی که از این تهاجمات بر قلمرو خوانین قفقاز وارد شده بود، زمینه بدبینی را بین خوانین قفقاز نسبت به دولت قاجار رواج داده بود. لذا، خان ایلروان با چنین تجارب سیاسی اعتمادی به دولت قاجاریه نداشت و در عوض هنوز ماهیت استعماری دولت روسیه برای خان ایلروان ناشناخته بود. با این همه، خان ایلروان در مقابل نخستین جنگ ایران و روسیه سیاست دوگانه‌ای را اتخاذ نمود و برای صیانت از استقلال حاکمیت خویش، علاوه بر اتخاذ مانور بین هر دو دولت، دست به استحکام قلعه ایلروان نیز زد.^{۷۳} قشون شاه قاجاریه، در ابتدا برای تحت انقیاد درآوردن خان ایلروان به هجوم مبادرت ورزید. عباس میرزا، با اطلاع از خیانت والی ایلروان و دعوت از سیسیانف به تسخیر ایلروان دست به عملیات جنگی زد. در مقابل محمدخان ایلروانی، برای اینکه قشون قاجار را از نظر تهیه ارزاق و سیورسات غذایی در ایالت ایلروان در تنگنا بگذارد، برخی از ایالات و قبایل اطراف ایلروان را به داخل قلعه منتقل^{۷۴} و برخی از ایالات همچون ایل کنگرلو و قاجار را به مرزهای عثمانی کوچاند.^{۷۴}

فی الواقع، خان ایلروان با استفاده از حربه زمین سوخته سعی داشت تأمین آذوقه را برای قوای قاجار در ایلروان دشوار سازد. زیرا، بخش قابل توجهی از بافت و ترکیب جمعیتی ایلروان را ایالات تشکیل می‌دادند و از لحاظ تأمین فراوردهای دامی و گوشتی در حیات اقتصادی ایلروان نقش مهمی را ایفا می‌نمودند. همچنین از جهت نظامی ایالات به سبب داشتن جنگجویان و سواره نظام چابک، می‌توانست نیروی نظامی لشکر قاجار را در صورت نیاز تأمین کند. احتمالاً، خان ایلروان با ملاحظه عوامل فوق برای عدم دسترسی و بهره برداری از ایالات ایلروان آنان را از دسترس قشون قاجار دور ساخت. چنانچه، محمدتقی‌خان سپهر مورخ عصر قاجار این سیاست خان ایلروان را تدبیر خام دانسته و می‌نویسد: «چون ایالات حوالی ایلروان از تدبیرات خام محمدخان به حدود دیاربکر و ارزنه الروم متفرق و مسکون شده بودند.»^{۷۵} با این حال، برخی از ایالات که با خان ایلروان همکاری نموده و در استحکامات ایلروان مأوا گرفته بودند از خیانت محمدخان قاجار ایلروانی با روس‌ها مطلع گشته

72. Qarayev, p.113.

۷۳. وقایع نگار مروزی، ص ۸۴

۷۴. سپهر، ج ۱، ص ۱۲۵؛ محمود میرزا قاجار، ص ۱۵۲؛ محمد حسن بن محمد رحیم لنجانی اصفهانی، جنبه / الاخبار، به تصحیح

میر هاشم محدث (تهران: مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱)، ص ۱۱۲.

۷۵. هدایت، ج ۹، ص ۷۵۳۲.

و چون در مخالفت‌شان در مقابل نایب‌السلطنه هیچ دلیل موجه‌ای نداشتند از عقوبت کار خویش ترسیده و به طرف مرزهای عثمانی متفرق شدند.^{۷۶} عباس میرزا که به شدت از خیانت خان ایروان غضبناک شده بود به مهدی قلیخان، از سرکردگان شایسته طایفه دَوَلو قاجار دستور داد که بالفور کوچندگان اهل ایروان را بازگرداند.^{۷۷} همچنین، محمد شفیع صدراعظم برای حفظ حُسن همجواری و ممانعت از تنش مرزی با دولت عثمانی با ارسال نامه‌ای به والی ارضروم، محمود طیار پاشا آورده است: «محمدخان ایروانی نظر به سفاهت اصلی و وحشت عارضی در حصار ایروان محصور و تمامت ایلات و احشامات خود را به آن حدود و ثغور فرستاده، از آن عالیجاه متمنی گردیده است که آن‌ها را در محل اختیار خود گذارد و از چیره دستی سپاه نصرت پناه مأمون دارد.»^{۷۸}

خان ایروان، نیز برای ممانعت از عودت ایلات بیکار نشست و با ارسال پیامی سردار روسی را به مقابله با مهدی قلیخان دعوت کرد. سیسیانف با تمرکز قوای در سر راه درصدد جلوگیری از ورود ایلات برآمد و به این ترتیب نخستین برخورد نظامی در مقیاس کوچک بین قوای قاجار و روس‌ها در حوالی شوره‌گل^{۷۹} و در محال پنبک^{۸۰} به وقوع پیوست.^{۸۱} گرچه، قوای مهدی قلیخان پایداری سرسختان‌های از خود بروز دادند، لیکن در مقابل آتشبار توپخانه روس‌ها تاب نیاورد و عقب نشست. با این حال، ایلات را از تعرض روس‌ها مصون نگهداشته و به ایروان بازگرداندند.^{۸۲}

۴) نقش محمدخان قاجار ایروانی در نخستین جنگ ایران و روسیه

عباس میرزا، با استماع درگیری مهدی خان دولو با قوای روسیه در محال شوره‌گل با تهاجم به شهر ایروان به سال ۱۲۱۹ق/۱۸۰۴م، قلعه را به حصار خویش درآورد. محمدخان قاجار ایروانی به اتفاق

۷۶. وقایع نگار مروزی، ص ۸۴.

۷۷. همان؛ سپهر، ج ۱، ص ۱۲۵؛ هدایت، ج ۹، ص ۷۵۳۳.

۷۸. محمد رضا نصیری، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، جلد ۱ (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۶)، ص ۴۱.

۷۹. محال شوره‌گل در شمال غربی قلمرو خان‌نشین ایروان قرار داشت و از جانب شمال با حاکم کارتلی-کاختی، از سمت جنوب با محال‌های تالین و سیدلی-آق ساقلی و از طرف شرق با محال پمبک و آباران و از سمت غرب با پاشای قارص هم مرز است (Qarayev, p.207). مرکز محال شوره‌گل، کُمری است. در دوره حکومت نادرشاه افشار یکی از محال‌های ایروان بود. (Ibid).

۸۰. پمبک در شرق شوره‌گل و بین کوه‌های کم ارتفاع وادی قرار گرفته است. پمبک، از جانب شمال با حاکم کارتلی-کاختی، از جنوب با محال‌های آباران و دره چیچک، از شرق با شوره‌گل و از سمت غرب نیز با سلطان‌نشین قزاق هم مرز است. (Qarayev, p.209).

۸۱. وقایع نگار مروزی، ص ۸۴؛ سپهر، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ هدایت، ج ۹، ص ۷۵۳۳؛ محمود میرزا قاجار، ص ۱۵۲.

۸۲. وقایع نگار مروزی، ص ۸۵.

برادر زن اش کلبعلی خان نخجوانی، با پناه گرفتن در قلعه ابروان و به امید اخذ کمک از روس‌ها دست به مقاومت در مقابل قشون قاجار زد و مذاکره خود را با سیسیانف کماکان ادامه داد.^{۸۳} خان ابروان، برای کاستن از حجم فشار نظامی و آتش توپخانه قوای قاجار از قلعه ابروان با ارسال پیامی سردار روس را به اشغال اوچ کلیسا تشویق نمود. لیکن عباس میرزا زودتر از روس‌ها پیشدستی نمود و کلیسای مزبور را به کنترل خویش درآورد و همچنین محافظت از اردوگاه و حصار قلعه ابروان را بر عهده میرزا شفیع صدراعظم محول نمود.^{۸۴}

قشون روس پس از چند روز توقف در کُمری، با پیشنهاد خان ابروان به طرف کلیسای اوچمیادزین عزیمت کرد. امّا، سیسیانف در حوالی کلیسا به کمین قشون قاجار افتاد و علی‌رغم درگیری شدید بین طرفین موفق به تصرف کلیسای اوچمیادزین نگردید.^{۸۵} بدین ترتیب، در راه تصرف کلیسای اوچمیادزین نزاع آغاز شد.^{۸۶} قشون شاه ایران، با احتیاط نمودن از توپخانه روس‌ها با اتخاذ تاکتیک هجوم غیره منتظره و ناگهانی قوای روس را متحمل شکست ساختند. سیسیانف، با پی‌بردن به عدم نیل به تصرف کلیسای اوچمیادزین به سمت شهر ابروان حرکت کرد و نبرد در حوالی کلیسا به نفع قشون ایران تمام شد.^{۸۷} در اثنای راه، سردار روس با ارسال نامه تحقیرآمیزی به خان ابروان، از وی تحویل کلیدهای قلعه ابروان را مطالبه و سرنوشت تلخ زندگی جوادخان را در صورت نافرمانی به وی یادآوری کرد.^{۸۸} محمدخان قاجار که پیشرفت ایشپخدر را امری حتمی می‌دانست و غلبه او را نسبت به سپاه ایران قطعی تصور می‌کرد با مشاهده شکست قشون روسی از سازش خویش با روس‌ها پشیمان گشته و درصدد مصالحه با عباس میرزا برآمد. به همین سبب یکی از خادمان خویش به نام علی نقی خان را با پیام اطاعت و ندامت به نزد میرزا شفیع روانه کرد.^{۸۹} یکبار دیگر ما شاهد اتخاذ سیاست توازن قوای خان ابروان هستیم. شکست قشون روسی از قوای قاجار و نزدیک شدن روس‌ها به قلعه ابروان و تغییر موازنه قدرت به نفع دولت ایران، محاسبات محمدخان ابروانی را بر هم زد و مجبور کرد که برای حفظ حکومت محلی خود از تعرض روس‌ها بار دیگر به سیاست دنباله‌روی از قاجاریه روی بیاورد. از اینرو، با دریافت خبر عزیمت نیروی روسی

۸۳. هدایت، ج ۹، ص ۷۵۳۳.

۸۴. وقایع نگار مروزی، ص ۸۵.

۸۵. سپهر، ج ۱، ص ۱۲۶؛ هدایت، ج ۹، ص ۷۵۳۵-۷۵۳۴؛ وقایع نگار مروزی، ص ۸۶-۸۸.

۸۶. قراباغی، ص ۲۰۶.

۸۷. هدایت، ج ۹، ص ۷۵۳۴-۷۵۲۵.

88. Dubrovin, pp. 313-314.

۸۹. وقایع نگار مروزی، ص ۸۹.

به طرف قلعه ایروان، سخت دچار تشویش و اضطراب شده و با عباس میرزا باب گفتگو را آغاز کرد و برای وساطت جهت رفع کدورت به صدراعظم میرزا شفیعی، مراجعت نمود.^{۹۰} خان ایروان، با ارسال هدایای به عباس میرزا خواستار عفو و بخشش شده و حتی فرزند خود حسنعلی خان را با پیشکش‌های لایق به دربار شاهزاده فرستاده و اظهار پشیمانی نمود و محافظت از ایروان را در برابر قشون روسیه را تقاضا نمود.^{۹۱}

عباس میرزا، با استفاده از این مراجعت خان ایروان با قوای خویش به مجاورت قلعه ایروان آمد و در نزدیکی قلعه مزبور اردوگاه نظامی زد و درصدد استفاده از قوای خان ایروان برای تارومار کردن قوای روسی برآمد. لیکن، این نقشه جنگی عملی نشد. سیسیانف با مطلع شدن به موقع از نقشه جنگی شاهزاده عباس میرزا دست به تدابیر هجومی زد و اردوگاه شاهزاده را غارت نمود.^{۹۲} قشون روسیه، پس از غلبه بر اردوی قاجار در نبرد قمرلی، به طرف قلعه ایروان عازم شد. مغلوبیت قوای قاجار و پیشروی ارتش روسیه، محمدخان قاجار ایروانی را در وضعیت تنگنای قرار داد. خان ایروان، برای متوقف نمودن حرکت روس‌ها دست به ابزار دیپلماسی زد تا با قبول حاکمیت روس‌ها، حکومت خویش را از تعرض نجات دهد. امّا، این اقدامات سیاسی وی دیگر دیر شده بود و ژنرال روسی به مکاتبات وی وقعی نگذاشت و تصمیم به اشغال ایروان گرفت.^{۹۳} قلعه ایروان، در سال ۱۲۱۹ ق. / ۱۸۰۴ م.، به حصار قوای روسی درآمد و مدافعین قلعه آماج سنگین حجم آتشبار توپخانه روسیه قرار گرفتند. خان ایروان، برای خاموش نمودن آتش قوای روسیه، سراسقف دانیال را به همراه نامه‌ای به نزد سیسیانف روانه کرد. امّا، این بار نیز موفق به اقناع ژنرال روسی نشد. چرا که، روس‌ها در موقعیت برتری قرار داشتند.^{۹۴} در اثنای محاصره قلعه ایروان از سوی روس‌ها، قشون ایران با تجدید قوا و با اخذ کمک از سوی فتحعلی شاه غفلتاً بر سر اردوی روسیه هجوم بُرد.^{۹۵} افزون بر این، کمبود ارزاق در اردوگاه لشکر روسیه و طولانی شدن محاصره قلعه، روس‌ها را در وضعیت دشواری قرار داده بود. همچنین لازم به ذکر است که سیسیانف در عملیات نظامی خود به قلمرو ایروان به کمک ارامنه امید زیادی دلبسته بود. پس از انضمام کارتلی-کاختی به قلمرو روسیه، ارامنه به شکل آشکار به طرفداری از روس‌ها در منطقه برخاستند. جاسوسان ارمنی با برقراری

۹۰. محمود میرزا قاجار، ص ۱۵۳؛ لنجانی اصفهانی، ص ۱۱۴.

۹۱. هدایت، ج ۹، ص ۷۵۳۶؛ دُنْبی، ص ۱۱۴؛ خاوری شیرازی، ج ۱، ص ۲۱۱؛ سپهر، ج ۱، ص ۱۲۶؛ وقایع نگار مروز، ص ۸۹-۹۰.

۹۲. هدایت، ج ۹، ص ۷۵۳۶؛ سپهر، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ وقایع نگار مروز، ص ۹۱-۹۴؛ محمود میرزا قاجار، ص ۱۵۴.
93. Dubrovin, pp. 322-323.

94. Potto, pp. 143-144; Dubrovin, p. 326.

95. Potto, p. 144; Dubrovin, pp. 227-229.

تماس مخفیانه با فرماندهان روسی جریان سیر حوادث سیاسی ابروان را مرتب به آن‌ها گزارش می‌دادند. حتی، سیسیانف در گزارش ارسالی خویش به تزار آورده است که، «برخی از تاجران ارمنی محلی ابروان تأمین ارزاق را متعهد شده‌اند.»^{۹۶} لیکن این وعده ارامنه مقیم ابروان عملی نگردید. قوای ایرانی، با پی‌بردن به کمبود سیورسات در اردوگاه روس‌ها، تمام راه‌های تأمین ارزاق قشون روسیه را از جانب گرجستان بست.^{۹۷} «علی خان قوینلوی بر قرخ بلاغ^{۹۸} و رضا قلیخان دولوی بر معبر اوچ کلیسا و پیر قلیخان شامبیاتی بر سر راه پنبک معین شدند و معابر مثلثه که محل آوردن آذوقه از تفلیس بود بربستند.»^{۹۹} میرزا آدی گوزل بیگ از مورخان محلی قراباغ در این خصوص می‌نویسد: «ایرانی‌ها در بالای شهر ابروان با روس‌ها در حال یک جنگ تمام عیار بودند، لیکن به سبب عدم توفیق در نیل به مقاصدشان کلاً مایوس شدند و اردوگاهی برپا ساختند. و بر سر کاروان‌های حامل آذوقه روسی حمله می‌کردند و قشون روسیه شهر ابروان را به محاصره خویش درآورد. قزلباشان نیز دوره آن‌ها حلقه زده بودند. قزلباش‌ها راه‌های رفت و آمد آنان را طوری قطع کرده بودند که، قشون روسیه امیدشان از هر طرف بریده شده بود.»^{۱۰۰}

قشون قاجار، برای تشدید نمودن حلقه محاصره غذایی ارتش روسیه، تمامی اراضی کشاورزی اطراف شهر ابروان و کلیسای اوچمیادزین را به آتش کشید و یکبار دیگر حربه زمین سوخته صفویان را در ایالت ابروان بکار بستند. همچنین وعده‌های تأمین ارزاق از سوی ارامنه نیز عملی نشد.^{۱۰۱} سعی گردان‌های روسی برای بازگشایی راه مواصلاتی بین تفلیس و ابروان به سبب اقدام و حملات ایذائی قشون قاجار به فرماندهی پیر قلیخان قاجار شامبیاتی و علیقلی خان شاهسون نیز ناکام ماند.^{۱۰۲}

ژنرال سیسیانف، پس از شکست‌های متوالی طرح‌هایش برای تأمین ارزاق اردوگاه، مجدداً باب دیپلماسی و مکاتبات را با محمدخان قاجار ابروانی گشود. این بار، لحن محتوای نامه‌هایش در قیاس

96. Qarayev, p.116.

۹۷. سپهر، ج ۱، ص ۱۲۸؛ قراباغی، ص ۲۰۹.

۹۸. محال قیرخ بولاغ مابین محال‌های دره چیچک و زنگی باسار واقع شده است و از طرف شرق با محال گوگچه و از سمت شمال با محال دره چیچک، از سمت جنوب با شهر ابروان و رود زنگی چای، از جنوب غرب با محال گرنی باسار، از سمت غرب با محال کورپو باسار هم مرز است (Shopen, pp.509-510).

۹۹. هدایت، ج ۹، ص ۷۵۳۹.

100. Mirzə Adigozəl bəy, *Qarabağnamə, Qarabağnamələr, I kitab, Tərtibci: Akif Fərzəliyev və N. Axundov* (Bakı, 1989), p.68.

۱۰۱. رافی، ص ۱۲۱.

۱۰۲. سپهر، ج ۱، ص ۱۲۸.

با دیگر مکاتبات وی لحنی بسیار دوستانه و نرم با خان ایروان بود و پیشنهاد تسلیم مسالمت‌آمیز شهر ایروان را از وی خواستار شد.^{۱۰۳} مکاتبات محمدخان قاجار ایروانی با فرمانده روسی به سبک و اسلوب دیپلماسی زمانه به رشته تحریر درآمده بود. از مضامین نامه‌های وی چنین بر می‌آید که، خان ایروان در مواجهه با دو دشمن مرزهای شمالی و جنوبی قلمرو جغرافیای سیاسی خود یعنی روس‌ها و قاجاریه با پیشبرد سیاست هوشمندانه سعی در بهره‌برداری حداکثری از این تضاد دو قوای قدرتمند خویش داشت. وی، اگرچه در نبرد ایروان به اتفاق قشون ایرانی بر ضد قوای روسی می‌جنگید، با این حال، در نامه‌نگاری‌های خود با سیسیانف از موضع مجبوری در جنگ سخن می‌راند. از محتوای مکاتبات دیگر خان ایروان چنین بر می‌آید که وی به حکومت شاه قاجاریه اعتماد چندانی نداشت و از وی احتیاط می‌کرد. برای مثال، خان ایروان در یکی از نامه‌هایش به سیسیانف می‌نویسد: «... نمی‌خواهم در طرف دولت ایران باقی بمانم. صادقانه به اعلی‌حضرت خواهش می‌کنم که، به من فرصت بدهید و صبر پیشه کنید. پس از عزیمت باباخان [فتحعلی شاه] از اینجا هر چه امر کنید از اوامر شما امتناع نخواهم کرد...»^{۱۰۴} در نامه دیگری موقعیت خود را چنین بازگو می‌کند:

هفت سال است که من خودم را از دام وی [فتحعلی شاه قاجار] محافظت می‌کنم، با وجود خطر و تهدید در قلمرو خود حکومت می‌کنم و تابع وی نیستم. بر اعلی‌حضرت واضح است که، من چطور به طریق نظامی در برابر وی مقاومت می‌کنم و هجوم‌اش بر قلعه را دفع می‌کنم. وزیر باباخان^{۱۰۵} میرزا شفیع در شهر حضور دارد، و با حيله‌گری سعی داشت مردم را بطرف خویش جذب کنند. به غیر از من همه از شما روی گردانده اند. من و وارثان‌ام در نیت خدمتگزاری صادقانه به دولت علیه روسیه می‌باشیم... باباخان در انتظار پیرقلی خان است و پس از دو روز از اینجا خواهد رفت. خصوصاً در استحکامات موضع‌تان با احتیاط باشید. وی در حال حاضر در تلاش است که مرا مورد لطف و نوازش خویش قرار دهد. و همچنین شاهزاده عباس میرزا سه مرتبه به من نامه نگاشته است و از طریق اعیان شهر سعی در متقاعد کردن من است. ولی من به حرف‌های آنان باور ندارم و به دولت روسیه خیانت نخواهم کرد. از اعلی‌حضرت استدعا دارم که آگاه شوند که، قشون شاه نمی‌توانند وارد قلعه شوند.^{۱۰۶}

سیسیانف، با نگاشتن نامه‌ای دیگر در همان سال به صداقت و صمیمیت محمدخان شک نموده

103. A. K. A. K., v.II (doc.1237): p.617.

104. Ibid.

106. A.K.A.K., v.II (doc.1241): pp.617-620.

و اعلام کرد که، «همین که من عقب‌نشینی کنم شما تسلیم باباخان خواهید شد.»^{۱۰۷} خان ایلروان، در نامه خود به سبک و اسلوب دیپلماتیکی گروگان بودن خانواده‌اش در دربار شاه قاجار را عامل عدم اجابت شرایط فرمانده روسی را ذکر کرد و حتی صداقت خود را به روس‌ها ابراز و برآورده شدن شرایط فرمانده روسی را منوط به عقب‌نشینی قوای شاه اعلان نمود.^{۱۰۸} پس از عدم توفیق در جلب محمدخان قاجار ایلروانی و قرار گرفتن در شرایط لاعلاج و دشوار، سیسیانف تصمیم به عقب‌نشینی از اطراف قلعه ایلروان گرفت.^{۱۰۹} محاصره قلعه ایلروان تلفات جانی و مالی زیادی بر قوای روسیه متحمل نمود. بدنبال عقب‌نشینی قوای روسی، شاه قاجار مجدداً محمدخان ایلروانی را در سمت خانی ایلروان ابقاء نمود.^{۱۱۰}

بدین ترتیب، محمدخان قاجار ایلروانی با مساعدت کلبعلی‌خان نخجوانی بعد از عقب زدن قوای روس به همراه وی از قلعه ایلروان به سمت اردوی عباس میرزا حرکت کرده و از آنجا عازم چمن سلطانیه شده و به خاک آستان معدلت نشان فتحعلی شاه جبهه سای شدند. محمدخان به پاس خدماتش در مقابله با روس‌ها در حکومت ایلروان ابقاء شد و منصب تومانی نخجوان هم با مقام سرکردگی ایل کنگرلو به کلبعلی‌خان محول گردید.^{۱۱۱} خان ایلروان «مورد نوازش و التفات حضرت خاقانی [فتحعلی شاه] گردیده و کمافی‌السابق به حکومت ایلروان مقرر و پسرش نیز مرخص و قرین پدر شد.»^{۱۱۲} علیرغم این، محمدخان قاجار ایلروانی، برای حفظ و نگهداری استقلال حاکمیت سیاسی خود بر ایلروان به روس‌ها و قاجارها اعتمادی نداشت و مدام بین دو دولت متخاصم دست به مانور سیاسی و نظامی می‌زد و از تضاد منافع دولتین مزبور بهره حداکثری می‌برد. لیکن، دولت قاجاریه برای جنگ با روسیه به موقعیت سوق‌الجیشی ایلروان پی برده بود و به طرق مختلف سعی در تقویت و استمرار اعمال نفوذ خود در این نقطه از منطقه قفقاز داشت. استقلال خان ایلروان و اتخاذ سیاست‌های دوگانه از سوی خان، شاه قاجاریه را قانع نمی‌ساخت. به خاطر همین برای تغییر حاکمیت سیاسی ایلروان دنبال فرصت مساعد می‌گشت. خان ایلروان نیز از نیات دستگاه حاکمه سیاسی ایران به نیکی آگاه بود. از اینرو، بار دیگر با ژنرال سیسیانف رابطه سیاسی برقرار نمود و با ارسال ایلچی به دربار تفلیس پیشنهاد تسلیم قلعه ایلروان را به روس‌ها وعده داد. محمدخان، در نامه

107. A.K.A.K.v.II (doc.1242): p.619.

108. A.K.A.K.v.II (doc.1243): p.619.

109. Dubrovin, pp. 343-344; Potto, pp.155.

۱۱۰. سپهر، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۹؛ وقایع نگار مروزی، ص ۱۰۲.

۱۱۱. ذنبلی، ص ۱۲۰؛ خاوری شیرازی، ج ۱، ص ۲۱۱؛ سپهر، ج ۱، ص ۱۲۹.

۱۱۲. هدایت، ج ۹، ص ۷۵۴۰.

با عذرخواهی از بروز مقاومت در مقابل قشون روسیه به نشانه و رسم صداقت و وفاداری خود حاضر به واگذاری گرو به روس‌ها برآمد.^{۱۱۳} اما، این نقشه خان سر نگرفت. چرا که، عباس میرزا، بدنبال شکست‌های قوای خود در جبهه‌های قراباغ و گنجه به ایروان عقب نشست و با آگاهی از روابط مخفیانه خان ایروان با روس‌ها وی را به حبس انداخت.^{۱۱۴}

محمدخان قاجار ایروانی، علیرغم گرایش به قاجاریه و قبول تابعیت آن‌ها، با مشاهده اقدام عباس میرزا در فرستادن مهدی قلیخان قاجار دُولو به اداره ایروان «باز خیالات فاسده اندرون سینه جای داده و جمعی از روسیه را به اقتضای مصلحتی که عین مفسدت بود به شوره گل آورده و از آنجا نیز تجاوز کرده در محل تالین^{۱۱۵} فرستاد.»^{۱۱۶} اما، با ورود ناگهانی مهدی قلیخان دولو به قلعه شهر ایروان، قوای محمدخان و قوای اعزامی روسی شکست خورده و عقب نشستند و جهت جلوگیری از هر نوع اقدام احتمالی محمدخان قاجار ایروانی در تسلیم قلعه شهر به روس‌ها، مهدی قلیخان قاجار خود به اداره قلعه پرداخته و به جای قوای خان ایروان، نیروهایی از تنگچی‌های کرمانی و دماوندی و طهرانی را به اداره قلعه ایروان گمارد.^{۱۱۷} منابع قاجاریه در مورد خیانت محمدخان ایروانی می‌نویسد که مهدی قلیخان، از سوی فتحعلی شاه قاجار به جانب ایروان مأمور گشته بود و پیش از ورود او اسمعیل خان شامبیاتی که در نزد خان ایروان حضور داشت از مکاتبات پنهانی وی با سردار روسی مطلع و مهدی قلیخان را در جریان موضوع گذاشت و مهدی قلیخان با نقشه‌ای خان ایروان را به دام انداخته و قلعه ایروان را تسخیر نمود.^{۱۱۸} مهدی قلیخان، ضمن به دست گرفتن اداره قلعه ایروان، برای جلوگیری از روابط محمدخان قاجار با روس‌ها که در صدد سپردن قلعه به قوای روسیه بود به توقیف وی و خانواده‌اش اقدام کرد. چرا که، خان ایروان با فرستادن پیام‌های مکرر به روس‌ها و آگاه ساختن آن‌ها از اوضاع داخلی ایروان و شرایط قوای تحت امر مهدی قلیخان در پی اظهار وفاداری به روس‌ها و حصول حکومتش به کمک قوای روسیه بود. اقدامات مهدی قلیخان در توقیف محمدخان قاجار و انتقال آرامنه ایروان به حدود ارس که آن‌ها هم با روس‌ها در ارتباط بودند،

113. Fuad Əliyev və Urfan Həsənov, *İrəvan Xanlığı* (Baki: Şərq-Qərb, 2007), p.105.

۱۱۴. سپهر، ج ۱، ص ۱۳۴.

۱۱۵. محال تالین در انتهای شمال غربی قلمرو خانشین ایروان قرار داشت و از جانب شمال با ایلات شوره گل، از جنوب با محال‌های سردارآباد و سعدلو، از جانب شرق با محال سیدلی - آق ساقلی، و در غرب رود آرپاچای که این محال را از پاشای قارص جدا ساخته هم مرز است (Shopen, pp.513-514, 575).

۱۱۶. خاوری شیرازی، ج ۱، ص ۲۲۶.

۱۱۷. دُنْپَلی، ص ۱۵۳.

۱۱۸. هدایت، ج ۹، ص ۷۵۴۵؛ سپهر، ج ۱، ص ۱۳۴.

مورد اعتراض شدید سیسیانف قرار گرفت و با فرستادن مکتوبی به ارامنه اظهار امیدواری کرد که با اخراج قوای باباخان [فتحعلی شاه] از قراباغ آن‌ها را به گرجستان منتقل خواهد کرد.^{۱۱۹}

بدین ترتیب، با محبوس شدن محمدخان قاجار ایلروانی، حاکمیت محلی خاندان قاجار بر قلمرو ایلروان (۱۱۶۰-۱۲۴۴ق. / ۱۷۴۷-۱۸۲۸م.)، برافتاد. محمدخان ایلروانی در بین حاکمان قاجار محلی ایلروان بیشتر دوره حکمرانی را داشت. با این حال پس از نخستین محاربه ایلروان، عملیات جنگی برای مدتی فروکش کرد. اما حکمرانی مهدی قلیخان در ایلروان نیز چندان دوام نیاورد. زیرا وی به سبب پاره‌ای اقدامات سیاسی و اخذ مالیات‌های مکرر زمینه شورش اهالی ایلروان را پدید آورد، شاه قاجار که از حکمرانی وی بر ایلروان ناراضی بود از این پیشامد استفاده کرد و احمدخان مقدم، بیگلربیگی تبریز و مراغه را به جای وی بر تخت ایلروان گماشت. وی، روی هم‌رفته سه ماه بر سر حاکمیت ایلروان بود.^{۱۲۰}

در کل می‌توان گفت، سیاست خارجی محمدخان قاجار ایلروانی در برابر دولت‌های همجوار از یک روابط پایدار و مستحکم برخوردار نبود. بلکه یک سیاست خارجی منعطف، متغیر و محافظه‌کارانه بود. در واقع، از همان آغاز رقابت دول معظم ایران و روسیه جهت دست‌یابی به قلمرو جغرافیای سیاسی ایلروان، شاهد مواضع متفاوت و سر درگم حُکام محلی ایلروان در برابر این دولت‌ها هستیم. این سر درگمی در دوره نخست جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸-۱۲۲۸ق. / ۱۸۰۴-۱۸۱۳م.)، به اوج خود رسید. در تمامی این دوران خان محلی ایلروان نیز به سان بسیاری از خان‌های مسلمان همسایه در قفقاز در حالتی برزخی از استقلال طلبی، ایران‌گرایی و روس‌گرایی و همچنین در برخی از مواقع استمداد از دولت عثمانی قرار داشت.

نتیجه

در دوره حکمرانی محمدخان قاجار ایلروانی منطقه قفقاز شاهد آسستن حوادث سیاسی و نظامی مختلفی بود. مهمترین چالش فراروی خان ایلروان در سده سیزدهم هجری شروع جنگ‌های دولت‌های ایران قاجاریه و روسیه تزاری بر سر سیطره و کنترل بر منطقه حاصلخیز قفقاز بود. خان‌نشین ایلروان به سبب موقعیت جغرافیای خاص و قرار گرفتن در همجواری دولت‌های پیرامونی قدرتمند چون دولت قاجاریه ایران، روسیه تزاری و عثمانی خواه و ناخواه به میدان و کانون کشمکش

دولت‌های مزبور تبدیل گشت و در این بین نبرد اصلی بر سر سلطه بر ایروان میان دولت‌های ایران و روسیه بود. غالباً در جنگ‌های بین ایران و روسیه به نقش حُکام و خوانین محلی مسلمان قفقاز در طول این جنگ‌ها توجه نشده است. چنانکه همین حاکمان محلی یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در طی این جنگ‌ها بودند و در استمرار وضعیت جنگی دولت‌های درگیر با اتخاذ رویکردی دوگانه و ناپایدار نقش عمده‌ای داشتند. خان ایروان، محمدخان قاجار ایروانی از جمله چنین خان‌های بود که در شروع درگیری طرفین نقش غیر قابل انکاری داشت و با تحریک روس‌ها به اشغال قلعه ایروان زمینه را برای نخستین جنگ ایران و روسیه مهیا نمود. لشکرکشی‌های بیهوده و قتل و غارت اهالی منطقه قفقاز از سوی قوای آقامحمدخان قاجار تولید هراس و ناامنی را موجب گشت و چنین امری زمینه را برای بدبینی و بی‌اعتمادی خان ایروان به حکومت مرکزی ایران سبب گردید. همچنین علنی نبودن ماهیت استعماری روسیه تزاری در گرایش محمدخان ایروانی به دولت مزبور در نخستین جنگ ایران و روس نیز مؤثر بود. با این حال، پیوندهای سیاسی محمدخان قاجار ایروانی با حکومت‌های پیرامونی روسیه تزاری و ایران قاجاریه پایدار نبود و با ملاحظه منافع خویش و حضور قدرت‌های برتر در منطقه مدام تغییر موضع می‌داد و از دولتی به دولت دیگر گرایش می‌یافت تا بدین نحو با استفاده از سیاست‌های توازن قوا، دنباله‌روی استقلال حکمرانی خویش بر اراضی ایروان را تأمین نماید. لیکن چنین رویکرد سیاسی از سوی خان ایروان در نخستین جنگ ایران و روسیه، نه تنها امنیت و استقلال حکومت خودمختار ایروان را تضمین نکرد؛ بلکه موجب بی‌اعتمادی حکومت مرکزی ایران و روس‌ها را در پی داشت. و در نهایت این سردرگمی و عدم اتخاذ رویه ثابت موجب حذف خاندان حُکام بومی قاجار زیاداوغلوی ایروان از عرصه سیاسی حکومت محلی ایروان گردید و با استقرار قدرت قاجارها در این منطقه اراضی ایروان بصورت کامل تحت تبعیت دولت مرکزی ایران قرار گرفت و شاخه جدیدی از خان‌های حکومتگر با میزان بالای از وابستگی به دولت ایران بر سر کار آمدند.

کتاب‌نامه

- باکیخانوف (آق‌اقدسی)، عباسقلی آقا. گلستان ارم. مهدی کریمی (ویراستار). تهران: چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲.
- جهانگیر میرزا، تاریخ نولشامل دوره قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری). به سعی و اهتمام عباس اقبال. تهران: کتاب فروشی و چاپخانه علی اکبر علمی، ۱۳۲۷.
- خاوری شیرازی، فضل الله. تاریخ ذوالقرنین. ج ۱. به تصحیح ناصر افشار. تهران: سازمان چاپ و انتشارات

- کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.
- دُنبلِی، عبدالرزاق. *مآثر السلطانیه*. مقدمه و فهرست ها به اهتمام غلامحسین صدری افشار. تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۱.
- رافی (هاکوپ ملیک هاکیویان). *ملوکِ خَمسه*. مترجم آرا دراستپانیان. تهران: پردیس دانش، ۱۳۸۵.
- سپهر، محمد تقی خان لسان‌الملک. *ناسخ‌التواریخ (تاریخ قاجاریه)*. به اهتمام جمشید کیان‌فر. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۹۰.
- ساروی، محمد فتح‌الله بن محمد تقی. *تاریخ محمدی (احسن‌التواریخ)*. به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱.
- قرباغی، میرزا یوسف. *تاریخ صافی*. به کوشش حسین احمدی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۰.
- لنجانی اصفهانی، محمد حسن بن محمد رحیم. *جنه‌الآخبار*. به تصحیح میر هاشم محدث. تهران: مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ. *تاریخ روابط خارجی ایران*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- محمود میرزا قاجار. *تاریخ صاحبقرانی (حوادث تاریخی سلسله قاجار ۱۱۹۰-۱۲۴۸ ق.)*. تصحیح نادره جلالی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- نصیری، محمد رضا. *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)*. ۲ جلد. تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
- نجفی، ناصر. *عباس میرزا نایب‌السلطنه*. تهران: نشر علم، ۱۳۷۷.
- هدایت، رضاقلی. *روضه‌الصفای ناصر*. جلد ۹. تهران: انتشارات خیام، ۱۳۸۵.
- صدقی، ناصر. «تأملی بر مواضع خان‌نشین‌های مسلمان قفقاز در برابر توسعه‌طلبی‌های روسیه تزاری.» *فصلنامه تحقیقی مطالعاتی مؤسسه فرهنگی آران*. سال نهم. شماره ۲۶ و ۲۷. زمستان ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰.
- وقایع نگار مروزی، میرزا محمد صادق. *آهنگ سروش (تاریخ جنگ‌های ایران و روس)*. گردآورنده حسین آذر. به تصحیح امیر هوشنگ آذر. تهران: چاپخانه حیدری، ۱۳۶۹.
- Azərbaycan Milli Elmlər Akademiyası A. Bakıxanov Adına Tarix İnstitutunun Elmi Arxivi (AMEA Tİ EA):* İş 3650.
- Azərbaycan Tarixi*. IV cild. Bakı: Elm, 2007.
- Əliyev, Fuad və Həsənov, Urfan. *İrəvan Xanlığı*, Bakı: Şərq-Qərb, 2007.
- Berzhe, A..., *Akty sabranie Kavkazkoih Arkheograficheskoih Komissieih (A.K.A.k)*, Vol.I_II, Tbilisi, 1866 -1906.
- Butkov.P.G. *Materialy dlia novoi istorii kavkaza (1722-1803)*. vol –IIst. Petersburg, 1869.
- Bournoutian, George. *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889*, a documentary record, vol. II, Mazda Publishers: 1998.
- Dubrovin, N. *Zakavkaz'ye ot 1803-1806 goda*. SPb, 1866.

- Khubov ,Y. *Opisaniye dostopamyatnykh proisshestviy v Armenii*. SPb. 1811.
- Mirzə Adıgözəl bəy. *Qarabağnamə*. Qarabağnamələr. I kitab. Tərtibci: Akif Fərzəliyev və N. Axundov. Bakı.1989.
- Mustafayeva, Nisə. *Cənubi Azərbaycan xanlıqları*. Bakı. 1995.
- Osmanlı devleti ilə Azərbaycan Türk Hanlıqları Arasındakı Munasibətlərə Dair Arşiv Belgeleri (1578-1914)*. C.I. Ankara.1992.
- Potto, V. *Utverzhdeniye russkogo vladychestva na Kavkaze*, t.1, Tiflis. 1901.
- Qarayev, Elçin. *İrəvan Xanlığı(1747-1828)*. Bakı: Avropa nəşriyyatı. 2010.
- Qarabaği, Mirzə Yusif. *Tarixi-Şərif*. Qarabağnamələr. II kitab Tərtibci: Akif Fərzəliyev və N.Axundov. Bakı: Şərq-Qərb. 2006.
- Shopen I. I. *Istoricheskiy pamyatnik sostoyaniya armyanskoy oblasti v epokhu yeyo soyedineniya k Rossiyskoy imperii*. SPb. 1852.



نقشه جغرافیای تاریخی منطقه قفقاز

